

گردشگری

گذری در پارک های ملی کهن مرز و بوم ایران



ارزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

پارک های ملی مناطق وسیعی هستند که دارای شرایط ویژه ای از نظر زمین شناسی، پوشش گیاهی، جانوری و مناظر بدیع طبیعی هستند و از درجه حفاظت بیشتری نسبت به سایر مناطق حفاظت شده برخوردارند. پارک های ملی برای حفاظت بیشتر، منطقه بندی (زون بندی) شده و هیچ موجود دوپای اجاز ورود به برخی مناطق در پارک را ندارد تا حیوانات احساس امنیت بیشتری کنند و البته حمل هر گونه اسلحه و جاده سازی در پارک های ملی ممنوع است.

کوبیر



بزرگترین پارک ملی ایران، پارک ملی کوبیر است که مابین استان های تهران، سمنان، اصفهان و قم را در بر می گیرد. این پارک به واسطه وجود گونه های کم نظیر و بی نظیری مثل بوز پلنگ آسیایی، گورخر آسیایی و آهوی خجیر از جمله مهمترین زیستگاه های ایران به شمار می آید، اما زمین های تحت کنترل نیروهای نظامی و برگزاری مانورهای نظامی از مهم ترین تهدیدهای این پارک ملی به شمار می روند. مهمترین محدوده تورگردانی در پارک ملی کوبیر حوزه سیاه کوه و به ویژه کاروانسراهای پیرامون آن مثل مرنجاب، قصر بهرام و دیر گچین است.

گلستان



این پارک، اولین پارک ملی ثبت شده ایران است و در شرق استان گلستان و غرب استان خراسان شمالی قرار دارد. آب و هوای پارک ملی گلستان چون در نیمه شمالی و شمال شرقی ایران واقع شده است بسیار متفاوت و از بسیار مرطوب تا نیمه خشک است. پارک ملی گلستان از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که یکی از بزرگ ترین گنجینه های گونه های گیاهی و جانوری در ایران است، یک هفتم گونه های گیاهی، یک سوم انواع پرندگان و نیمی از پستانداران ایران در این پارک ملی زیست می کنند.

دز



پارک ملی دز در شمال استان خوزستان قرار دارد. رودخانه ها و تالاب های این پارک، پارک ملی دز را به یکی از پارک های ملی مناسب برای پرندنگری تبدیل کرده است و هر ساله گردشگران زیادی به این منطقه و به قصد دیدن حیات وحش سفر می کنند. جنگل های این پارک نیز زیستگاه گونه نادر گوزن زرد ایرانی است. اما متأسفانه وجود جاده های گردشگری همچون جفاز نیپیل و پل ساسانی در نزدیکی این پارک ملی و گذر جاده شرکت کشت و صنعت کارون از میان پارک ملی و همچنین ورود بی رویه دام ها به منطقه، این پارک ملی در معرض خطر و آسیب جدی قرار دارد.

بوجاج



این پارک از آن جهت بسیار مهم است که نخستین پارک ملی خشکی در یابی ایران است و در بندر کیش شهر در شهرستان آستانه اشرفیه و دریاچه خزر در استان گیلان واقع شده است. این پارک ملی زیستگاه یکی از جانوران در خطر انقراض ایرانی است. فک خزری، تنها موجود در یابی خجالتی ایران بیش از ۳۰ پارک ملی دارد که این طبیعت بکر را در چهار گوشه خود جای داده است. درست است که سازمان حفاظت از محیط زیست، مسولیت حفاظت را به عهده دارد؛ اما ما نیز باید در حفظ و نگهداری آن سهم باشیم تا این میراث به جامانده از گذشتگان، رسالمان تحویل آیندگان دهیم.

قادر آشنا از اداره کل هنرهای نمایشی رفت

روایه های بر باد رفته یک مدیر



مدیریتی با موضوعیت اداره تئاتر تکیه زده بود. بیشتر فعالیتش در حوزه آموزش بوده است و هر از گاهی روی صحنه اجرایی داشته است؛ اما چرا باید نظری سه ماهه دوره سکون را تحمل کند تا مدیریت خود را چون آشنا می شود. همه چیز برای آشنا همپا بود؛ اما چه شد که آشنانتوانست از موقعیت سیاسی خود صیانت کند. البته فاکتور اولیه و شایع باز نشستگی اوست؛ اما چه کسی است که نمی داند با وجود جانباز بودن وی توانایی تمدید مدیریت برایش مهیا بود. پس ماجرا چیز دیگری است. «کاظم نظری جانشین قادر آشنا در اداره هنرهای نمایشی وزارت ارشاد شد». این تیترو است که کمتر از ۲۴ از انتشارش می گذرد. برای آگاهان رسانه های خبر تازه ای نیست. کاظم نظری سه ماه گذشته چشم انتظار نشستن بر مسندی است که تجربه نکرده بود. او هیچ گاه در یک پست

منزله شکست نگاه سیاسی دولت وقت بود و برنده ماجرا کسی نبود جز قادر آشنا و همان طور که بعد از فجر رفته بود، حال بعد از فجر آمده بود؛ اما یک رویداد تمام خوشنودی قادر آشنا را نبود کرد: کرونا. کرونا ضربه مهلکی بود بر چهره دوست داشتنی قادر آشنا. وضعیت بد اما چه شد که آشنانتوانست از موقعیت سیاسی خود صیانت کند. البته فاکتور اولیه و شایع باز نشستگی اوست؛ اما چه کسی است که نمی داند با وجود جانباز بودن وی توانایی تمدید مدیریت برایش مهیا بود. پس ماجرا چیز دیگری است. «کاظم نظری جانشین قادر آشنا در اداره هنرهای نمایشی وزارت ارشاد شد». این تیترو است که کمتر از ۲۴ از انتشارش می گذرد. برای آگاهان رسانه های خبر تازه ای نیست. کاظم نظری سه ماه گذشته چشم انتظار نشستن بر مسندی است که تجربه نکرده بود. او هیچ گاه در یک پست

تجربگی

نمایش آثار هما عبداللهی در گالری «آ» با نام «اندود» اگر چه با دو نمایش قبل از یعنی «سپنج» و «ساکن» تفاوت های عمده ای در جزئیات تصویر دارد اما می توان آن را در مسیر پیشرفت یک پروژه در طول زمان درک کرد. شاید مسئله اصلی هم که باید در آثار عبداللهی به آن توجه داشت به نوعی همین مواجهه با زمان است که فارغ از نگاه به سبک و تکنیک او شکل می گیرد. تأمل هوشمندانه در یک منظره در قالب قطعاتی پراکنده یا فرسوده، فاصله و غیاب، بیش از هر چیزی اثر انگشت زمان را بر خود دارد و قبل از بروز هر مسئله ای قوه تخیل را برای بازسازی و ویرانه ها در ذهن به کمک می طلبد. در نگاه آنی و در همان مواجهه نخستین با آثار عبداللهی آنچه تیلور می کند تصویری از پیامدهای گذشت زمان و رنج ناشی از آن است. آثار او در دل غیاب انسان اما ماهیتی کاملاً اجتماعی دارد و از تاثیرات فقر، محرومیت، و تباهی که توسط انسان تاب آورده می شود نمی گریزد و آنها را به نمایش در می آورد. او در پس این اتفاق با مخاطبش کاری می کند که او نیز نمی تواند نسبت به معنای یک منظره بی تفاوت باشد و به صرف تکنیک و سبک بپردازد. نشانهای سالخورده گی به

تجربگی



علیرضا یخشی استوار

نگاهی به آخرین نمایش آثار هما عبداللهی با نام «اندود» فرسودگی مداوم انسان غایب



است. اگر چه آنها فقط با تعلق به زمانی خاص قابل خوانش و رمزگشایی هستند اما نمایی تصویرهای این هنرمند به یک زمان خاص تعلق ندارد، بلکه ویرای زمانی خاص قابل خواندن است. تصاویر او این ویژگی را دارند که به بیننده اجازه می دهد تا گذشته و آینده را در رابطه ای پویا ملاحظه کند و از همین منظر رابطه ای که او میان اکنون با آن چه بوده است به وجود می آورد نه امری زمانمند، بلکه تصویری دانسته می شود. بنابراین تصاویر عبداللهی محل تلاقی گذشته و آینده به شمار می آید. اجتماع تصاویر یک یا چند منظره در صورتی جدید ما را به یافتن نسبت میان تصاویر با زمان ترغیب می کند.

به دیدگاه والتر بنیامین در باب «تصاویر دیالکتیکی» آغاز می شود. بنیامین در پروژه پاساژها از این اصطلاح بهره می گیرد تا نشان دهد که تصاویر زمانمند هستند. بر این اساس تصاویر در وضعیت ثابتی قرار دارند، در حالی که ادراک آنها امری فعالانه است. همچنان که در آثار عبداللهی این امر قابل مشاهده است، ادراک هر تصویر نزدیک ساختن امری است که در دور دست قرار دارد. آنها از جهتی نسبت به ادراک کننده شان دور هستند و از جهت دیگر در فرآیند ادراک به امری نزدیک بدل می شوند؛ همانطور که در گذشته هستند و با ادراکشان به زمانه حاضر احضار می شوند. تصاویری که عبداللهی به ما نشان می دهد در یک تداوم، نشانگر گسختگی و انقطاع

در این نقطه است که می توان به تاثیر تکنیکی آثار عبداللهی در به وجود آمدن این نگرش برای مخاطب هم توجه داشت. او در آثار متأخر خود از ابزارهای محدودتری در آثارش بهره برده است و همین محدود کردن خود به ابزارهایی مشخص، او را به محدودیت استفاده از رنگ هم وا داشته است. سطح، بافت و خطوط در آثار اخیر او در بیان مناظر هم به همین نسبت دستخوش تغییر شده است. آثار اخیر او در فرم و تکنیک مویده فرسودگی عمیق تری در بیان تصویری است. فرسودگی که خود در تحلیل زمان نقش قابل اعتنایی دارد. البته مناظری هم که عبداللهی برای ترسیم در آثار جدیدش انتخاب کرده از تصاویر شهری که در گذشته سوژه آثارش بود فاصله گرفته و بیشتر به لحاظ فرم تصویر قلعه ها و بناهایی را تداعی می کند که متعلق به زمانی دورتر هستند. از این منظر عبداللهی در این مسیر کاری خود از آنچه در فضای شهری و در نزدیکی او موجود بود به سوی کشف چشم اندازهایی حرکت کرده که با زمان حال زندگی او فاصله بسیاری دارند و این حرکت به سوی زمان تاریخی و کشف و بروز معنای مورد نظر در گسترده ای وسیع تر از محیط شهر، نشان دهنده همان تفکر فرا زمانی است که عناصر مطلوب مورد نظر خود را در یک گستره وسیع معنایی - زمانی جستجو می کند و به دنبال کشف و یا بسط یک نگرش در طول تاریخ است.